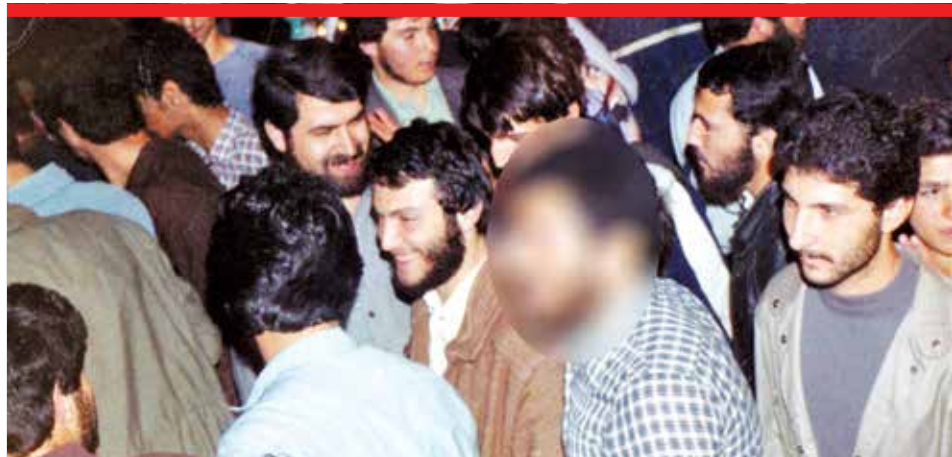


اشغال ۱۹۸۲ لبنان توسط اسرائیل رشد کرده بود، می‌توانست ظرف کمتر از یک سال مرگبارترین و ساختار یافته‌ترین سازمان تروریستی دنیا را به وجود آورد؟ آیا این فرد ده‌ها خارجی را به گروگان و اسارت گرفته بود؟ آیا او در آوریل ۱۹۸۳ سفارت آمریکا را منفجر کرده و به گونه‌ای این عملیات را انجام داده بود که هیچ ردپایی از وی بر جای نماند؟ با بررسی‌های بیشتر، من بیش از گذشته اطمینان یافتم که اظهارات الجزایری‌ها در مورد فعالیت عماد به صورت مستقل، کاملاً بی پایه است. من دو ماه را در مرکز مبارزه با تروریسم CTC و چند مرکز دیگر به جست‌وجو برای یافتن سایر مدارکی که در این پرونده وجود نداشت، پرداختم. کوهی از کاغذها و پرونده‌ها بر روی میز من و اطراف آن به یک جوک تبدیل شده بود؛ اما هنوز هم اطلاعات لازم در مورد نتیجه‌گیری نهایی پیرامون نقش مغنیه در بمب‌گذاری سفارت ما در بیروت در اختیار نداشتم. سرانجام مرگ بیل باکلی موجی از فرضیه‌ها را به وجود آورد.

همانند بسیاری از موضوعات دیگر در خاورمیانه، داستان مغنیه با بررسی‌های بیشتر، پیچیده‌تر از قبل می‌گردید. در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۵ یک گروه با نام سازمان آزادی اسلامی، چهار دیپلمات روس را در بیروت ربودند. هیچ کس نام این گروه را نشنیده بود، اما خواسته آنان مبنی بر توقف اقدامات سوری‌ها علیه بنیادگرایان طرابلس، برای ما این اطمینان را به وجود آورد که این اسم جعلی از سوی اخوان المسلمین سوریه که در آن زمان در طرابلس محاصره شده بودند، انتخاب گردیده است. اندکی بعد یک فلسطینی ناشناس به نام «خضر سلامه» پس از دستگیری به شرکت در گروگان‌گیری اعتراف کرد و در نهایت وی با سه گروگان روس، مبادله شد؛ اما با روشن شدن حقیقت، ما با اتفاقاتی عجیب‌تر از یک داستان تخیلی روبه‌رو شدیم. عماد مغنیه مقدمات آزادی دیپلمات‌های روسی را فراهم کرده بود. او برای گفت‌وگو با کسانی [مثلاً] غیر وابسته به عرفات، به تونس پرواز نموده و به عنوان واسطه با گروگان‌گیران مذاکره کرده بود. ما متوجه شدیم که مغنیه چراغ سبز عرفات را مبنی بر عدم اقدام روس‌ها علیه گروگان‌گیران، دریافت نموده است. به عنوان دستخوش نیز مبلغ دویست هزار دلار از سوی مسئول امنیتی PLO (سازمان آزادیبخش فلسطین) یعنی ابویاد به حساب او واریز گردید. روس‌ها به دنبال این معامله جان سالم به در بردند و دیگر هیچ‌گاه به دنبال یافتن مغنیه و PLO نرفتند. البته این سازمان هم دیگر هیچ‌گاه دست به آدم‌ربایی نزد. این ماجرا مغنیه را بیش از گذشته برای ما شناساند. بله! او در گذشته عضو

بود؛ اما همین موضوع نیز کاملاً موثق نبود. آن‌طور که ما می‌دانیم مغنیه در خانه‌های چپری و محقر و فاقد آب لوله‌کشی در عین‌الدبیا واقع در یکی از فقیرنشین‌ترین محلات حومه‌ای جنوب بیروت به دنیا آمده بود. با توجه به مجاورت این منطقه با فرودگاه و عبور هواپیماها از چند صد پایانه‌های آنان، خرید چنین خانه‌ای، بهترین گزینه ممکن برای پدر سبزی‌فروش عماد به شمار می‌رفت. در سال‌های جنگ داخلی لبنان، حومه بیروت به عنوان محور اصلی خط سبزی به شمار می‌رفت و عماد به عنوان یک نوجوان، بارها با صدای آتش‌بارها و تفنگ‌ها از خواب بیدار شده بود. بارها هم ترکش‌ها و گلوله‌هایی به خانه آن‌ها اصابت کرده بود. ما دریافتیم که مغنیه در جوانی در حالی که



چهارده تا پانزده سال سن داشت، به نیروی ۱۷ و با افراد مورد اطمینان عرفات جهت فعالیت به عنوان سازمان حفاظت شخصی وی پیوسته بود. البته او به عنوان یک عضو سطح پایین مسلح، تنها به گشتزنی روزانه و پشتیبان در محلات مسیحی نشین آن سوی خط سبزی می‌پرداخت. گفته می‌شود که بعدها عماد یک سال را در دانشگاه آمریکایی بیروت به تحصیل پرداخت؛ اما اگر این نکته صحیح باشد، یک نفر کلیه مدارک تحصیلی وی را از آن‌جا خارج کرده است. یکی از اقوام دور عماد یک روحانی مسلمان معروف بوده،<sup>۱</sup> اما غیر از این فرد، دیگر هیچ ارتباطی بین خانواده وی و اسلام وجود نداشته است. این، تمام اطلاعاتی بود که ما توانسته بودیم از عوامل خود به دست آوریم؛ ولی هیچ یک از افسران سیا و رابط‌های ما قادر نبودند تا با سفر به عین‌الدبیا صحت این موضوع را تأیید نمایند. اما چگونه یک پسر بچه فقیر منطقه عین‌الدبیا که در زیر خاکستر

دسترسی کاملی به همه پرونده‌های سیا در حوزه تروریسم داشتیم. اولین موضوع مورد علاقه من که قابل چشم‌پوشی نبود، بمب‌گذاری سفارت آمریکا در بیروت بود. نگاهی به پرونده سبزی و لاغر و پاره پوره این ماجرا، احساس ناخوشایندی در من به وجود آورد. جدیدترین اطلاعات آن متعلق به دو سال پیش بود. این فاجعه موقعیت سیا را در لبنان خلدشه‌دار کرده بود و با انتقال سفارت ما به بیروت شرقی، سیا اکثر عوامل مسلمان برگزیده خود را از دست داد. بازسازی شرایط گذشته، کاری سخت و غیرممکن به شمار می‌رفت. با پراکنده شدن مظنونان در خاورمیانه، ما تقریباً به موقعیت اول خود بازگشته بودیم. تنها داشته ما به اظهارات سه نفر که در روز بمب‌گذاری در مطبوعات چاپ شده بود، باز می‌گشت؛ و تنها نکته متفاوت این بود که یکی از این گروه‌ها ارتباط‌هایی با عماد مغنیه داشت. این نقطه خوبی برای شروع اقدامات ما بود.

عماد مغنیه یک معما بود. بر اساس فرم تقاضای صدور گذرنامه وی، عماد در سال ۱۹۶۲ در طیردبا، روستایی فقیرنشین در جنوب لبنان به دنیا آمده

۱. خط حایل بین طرفین درگیر در جنگ‌های داخلی لبنان، با عنوان «خط سبزی» شناخته می‌شد.  
۲. منظور، شیخ «محمد جواد مغنیه» است.